

آینه و سنگ

مؤلف:

سید داریوش شادرام

انتشارات طاق‌بستان

۱۳۹۵

سرشناسه:	شادرام، سیدداریوش، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور:	آینه و سنگ/ نوشته سیدداریوش شادرام.
مشخصات نشر:	کرمانشاه: طاق بستان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۱۳۰ ص: ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
شابک:	۷۰۰۰ ریال: ۹-۴۰۶-۵۱۰-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۴ ۴۴۹ الف/ ۸۳۴۹ PIR
رده‌بندی یویی:	۸ فا ۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۴۱۷۸۰۶۱

امارات طاق بستان

- * عنوان: آینه و سنگ
- * مولف: سید داریوش شادرام
- * ناشر: طاق بستان
- * طراح جلد: جواد خالیک
- * صفحه‌آرا: فیروزه استوان
- * نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۴- کرمانشاه
- * شمارگان: ۱۰۰۰
- * قطع: رقعی ۱۳۰ ص
- * شابک: ۹-۴۰۶-۵۱۰-۹۶۴-۹۷۸
- * قیمت: ۸۰۰۰ تومان

کرمانشاه: خیابان آیت اله کاشانی (دبیر اعظم) روی روی هتل بیستون

تلفن: ۰۸۳۳۷۲۹۱۷۳۲ فاکس: ۳۷۲۷۱۶۴۳

Gmail: Taaghbostan-book@yahoo.com

فهرست مطالب

۱		تابلو
۳		پدر
۶		الهی حیات
۱۰		با غلط
۱۲		ان
۱۴		دلایل قانع کننده
۱۶		درویش تهم
۱۷		دریاچه از پر از شر
۱۹		خاطره ای از مهد آینی
۲۱		سندی به گردن کره
۲۳		غافل و شرمسار
۲۶		حساب و کتاب
۲۹		تیمور لنگ و مرد کور
۳۰		نامزد انتخابات
۳۲		مرد
۳۴		شیشه
۳۵		دربان هتل
۳۸		روز معلم
۴۰		اراده
۴۱		کلید اسرار
۴۲		شهردار
۴۶		چوب خدا
۴۸		اطمینان
۵۰		نان و ایمان
۵۲		بزرگ اما کوچک
۵۵		عطر انسانیت

۵۶	 ترس قدیمی
۵۸	 بزرگی باید
۵۹	 غذای نذری
۶۱	 فرصت (عمر)
۶۳	 پلیس اول یا دوم؟
۶۵	 آینه
۶۷	 باد و خورشید
۶۸	 رد یخ شده و کفاش
۷۰	 غول ارزوها
۷۲	 کدخدای فریبده
۷۴	 خوشبختی
۷۶	 آقای بیات شما نید
۸۰	 خوی بد
۸۳	 بخشش (فقط یک عمل نیک)
۸۶	 پادشاه چه کسی است؟
۸۹	 گهواره ی حضرت علی اصغر (ع)
۹۳	 دعا
۹۶	 درد و دل یک معلم
۹۷	 رزق و روزی
۹۹	 خدای گرگها
۱۰۰	 مار و گنجشک
۱۰۲	 پارچه کت و شلواری
۱۰۳	 درویش و پادشاه
۱۰۵	 بدترین سبلی که خوردم
۱۰۷	 حاجی فیروز
۱۰۸	 زندگی کامواست
۱۰۹	 فضیلت

- ۱۱۰ کارگر منصف
- ۱۱۱ یا کریم ها
- ۱۱۲ باقالی پلو با ماهیچه
- ۱۱۳ شمع برای استجابت دعا
- ۱۱۶ کشک سب
- ۱۱۷ کله چه

«آینه و سنگ» سلاحی است صلح‌آمیز که در آن نویسنده، نه به جنگ تباهی‌ها، بلکه به اصلاح و ارشاد آنها می‌رود.

گویم راقم این سطور، شوالیه‌ای است که نیزه‌اش قلم و بیرقش منشوری است. مایه صلح و شادی برای جهان و جهانیان.

عنوان «آینه و سنگ» رای کتاب، برگرفته از این بیت زیبای استاد (محمد سلمانی) است که می‌گوید:

بل خرمی به مساحت خوبان قشنگ نیست

باور کنید بسخ آینه سنگ نیست

سید داریوش شادرام در افکار آن جوانی خود، به دنبال (اتوپایی) است که در آن تاریکی و تباهی معنایی ندارد. او لنگ قایمی است تا با عبور از دریاها به شهری برسد که آنجا در دستان کودکان ده ساله جز شاخه‌های معرفت، چیزی دیگر نمی‌روید.

وی مایل است در داستان‌های کوتاهش به دنیا بفهماند که کار دنیا بدون حساب و کتاب نیست و کائنات را مدیریت است مدبر که حساب همه چیز را دارد و هیچ چیز از دیدگان تیزبینش پنهان نخواهد بود.

دنیا از نگاه سید به مثابه‌ی گردونه‌ای است که اگر فقط یک تف از سر تغافل بر زمین اندازی از آفت آن مصون نخواهی ماند و دامنش را ملوث خواهد گردانید، زیرا قوای قهریه طبیعت را نباید دست کم گرفت، به مصداق بارز

((کلوخ انداز را پاداش سنگ است)) و یا: ((چو بد کردی مباش ایمن ز
آفات - که واجب شد طبیعت را مکافات)).

بر حذر داشتن انسان از کارهای ناصواب و هشدار دادن به عواقب بد آن،
همیشه در داستان‌های شادرام نموداری خاص داشته است:

مکن کاری که بر پا سنگت آيو

جهان با اين فراخی تنگت آيو

باید افزود سید در زندگی شخصی و منش پهلوانی خود، به آنچه می‌نویسد
اعتقاد کامل دارد. گشاده و سعه‌ی صدر او همواره زبانزد خاص و عام
بوده و هست. وی همیشه بر این اعتقاد بوده است که دل انسان‌ها باید خیلی
بزرگ باشد تا اگر کسی خواست در آن جای گیرد مجبور نباشد برای جا
شدن خودش را کوچک کند.

خلاصه کلام اینکه، آنچه در نوشته‌های سید دائماً موج می‌زند چیزی نیست
جز: صداقت، مردانگی، افتادگی و تواضع. اسرار به سرنوشت که بارزترین
آنها، از مکافات عمل غافل نبودن است.

داستان‌های کوتاه سید چون به مینی‌مال می‌مانند، بنابراین غالباً از شخصیت
پردازی به دور هستند. وی می‌خواهد از طریق بازنویسی حکایات تاریخی و
عموماً واقعه نگاری، پیام نوع‌دوستی و فرهنگ اومانیستی خود را به گوش
بشریت برساند.

شعار ((بیا تا قدر همدیگر بدانیم)) و حرکت به سمت اُبر انسان بودن چنان سایه بر آثارش افکنده است که گاهی به راستی خواننده فراموش می‌کند که قالب نگارشی او داستان کوتاه است یا حکایت‌های پندآمیز.

باید اعتراف کرد که غلبه‌ی معنا بر لفظ در آثار سید، او را تبدیل به واعظی سعدی وار کرده است که مخاطب در همان وهله‌ی اول با گرفتن پیام، دیگر به فم و قلم کار نمی‌اندیشد.

در خاتمه باید گفت از این نویسنده‌ی عزیز آثار دیگری نیز در دست طبع است که خواندن و عمل به آنها خالی از لطف نیست.

((مهندس محمود لعل‌آبادی))